



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۴/۲۶

نویسنده پوهاند بشیر احمد زکریا
ترجمه: رحمت آریا

جنگ های بی پایان راه حلی برای طولانی ترین جنگ امریکا میکانیزم جدید برای صلح دوامدار جهانی نقش کرونا- ۱۹ قسمت دوم

پوهاند متقاعد و لکچرر خاص
پوهنتون کولمبیا، پوهنځی دکتران طب و جراحان
نیویورک

فصل اول

چگونه جنگ امریکا در افغانستان می تواند بصورت آبرومندانه همراه با صلح و امنیت پایدار پایان یابد

فرضیه

آیا افغانستان می تواند یک کشور دایماً بی طرف شود؟
قبل از اینکه افغانستان با خروج تدریجی نیروهای ائتلاف بین المللی به کشوری "دائماً بی طرف" تبدیل شود، یک میکانیزم بین المللی باید موجود باشد تا مانع غصب قدرت بوسیله تروریستان و قدرتهای جاه طلب خارجی شود. نیرو های منطقی بدون در نظر داشت خطرات جنگ به صلح منطقی و صلح جهانی، آرزومندی تسلط بر این کشور مهم از منظر جیوپولیتیکی را در سردارند و همین میلان تسلط بر این خطه، انگیزه بنیادینی است تا آنرا در زون جنگ دائمی نگهدارند. سویتزرلند با عین حالت مواجه بود، سال ۱۸۱۵م بود و سویتزرلند در قلب اروپای آشوبناک در محاصره جنگ ها و تهدیدات فروپاشی قرار داشت. طی سالهای ۱۸۱۴ - ۱۸۱۵ بود که سویتزرلند بوسیله کانگرس وینا بی طرف ساخته شد و با ایجاد تعادل قواء، صلح در اروپا برقرار شد. بی طرفی دائمی سویتزرلند که یک مفهوم کاملاً تازه در فرهنگ سیاسی آن زمان بود منتج به حل منازعات متمادی میان روسیه، فرانسه و امپراتوریهای استریایی شد که همه از مدتها خواهان تسلط بر این نقطه مهم ستراتیژیک اروپا بودند. سویتزرلند از میان آوار ها و خاکستر جنگ های پیهم سربلند نمود تا ندای شود برای صلح و امن، و با تعالی اقتصادی خود توانست در ردیف سومین کشور شادمان جهان استقرار یابد.

علامت اثباتیه:

امکان بی طرفی افغانستان:

قبل از دخول بر مبحث، مبنی بر آنکه آیا افغانستان می تواند سویتزرلند آسیا شود یا نه در قدم نخست ما باید امکانیت آنرا با مقایسه سویتزرلند سال ۱۸۱۵ م با افغانستان امروزی و در آینده قرین در یابیم. برای اینکه این امکانیت را دریافته بتوانیم ما باید یک سلسله معایری در اختیار داشته باشیم، معایری که پیش نیاز مؤفقیت آمیز بی طرف دائمی شدن یک ملت مانند سویتزرلند اند، این کشور طی دو صد سال در کوره آزمون زمان قرار گرفت و از آن سرورانه برون آمد و حامل معیار زرین برای بی طرفی دائمی است. متخصص شهیر جهان پوهاند اودری کورت کرونین بعد از مطالعات وسیع در باره بی طرفی سیزده کشور «تئوری بی طرف شدن دائمی» را کشف نمود. هفت شرط مهم و یا معایری را که نامبرده تعیین کرده است ذیلأ به اختصار بیان می داریم. کتاب پوهاند کرونین در سال ۲۰۱۶م

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

نشر شد؛ کرونین بعد از تحقیق در تأریخ بی طرفی سیزده کشور هفت معیار را برای " بی طرفی موفقیت آمیز ملت ها" طرح نمود. معیار اول بیان میدارد که باید مردم بومی یک سرزمین موجود باشند که از چنین نوع بی طرفی حمایت کنند. مردم متحدی باید موجود باشند، "ملت واحدی" که بخاطر بقای خود و دولت مستقل خود اراده و ایثار برای " بی طرفی دائمی" داشته باشد.

هفت معیار برای بی طرفی دائمی موفقیت آمیز¹

معیار اول: - مردمان کشور مستقل باید منحصیث "ملت واحد" شناخته شوند که آرمان و تقاضای حالت بی طرفی دائمی را برای خود می خواهند.

معیار دوم: - این کشور باید محاط به خشکه و کوهستانی باشد که برای جنگ های گوریلابی مناسب است و از منظر تاریخی از حدود سرزمین خود موفقانه دفاع نموده باشد.

معیار سوم: - باید سرحدات مورد منازعه با یک یا چند همسایه خود داشته باشد که منتج به نیاز به مذاکرات گردد و چانس برای حل آن داده شود، بنابراین، این خود، امکانی را میسر می سازد تا میان همسایگان خود مذاکره، مدارا و مصالحه نماید.

معیار چهارم: - جنگ های پیهم داخلی در داخل کشور؛ هرچند برخلاف شهود یا غیر المتوقع اند اما پوهاند کرونین که در تواریخ بی طرفی سیزده کشور تحقیق نموده است این رابطه منطقی را نشان دهی نموده است؛ این وابسته به آرمان مردم برای صلح و یا هم تحمیل نیروی خارجی برای کاهش تلفات جانی و مصارفات جنگی است.

معیار پنجم: - چنین یک کشوری باید دارای ارزش اقتصادی باشد که در باره آن تفحص گسترده صورت گرفته باشد: الف) برای منابع خام منرالی آن، ب) بشمول شاهراه های تجارتی کشور، ج) موقعیت جیوپولیتیکی آن باید بصورت گسترده مورد تفحص قرار گرفته باشد.

معیار ششم: - چنین کشوری باید ضمانت بی طرفی را از آبَر قدرتها و قدرتهای منطوقی بدست آرد تا دائمی بودن بی طرفی آن تضمین گردد و نیز بوسیله سایر قدرتهای درگیر مورد پذیرش قرار گیرد و یا در صورت بُن بست حل آن به سطح بین المللی از طریق مذاکرات بوقوع بپیوندد.

معیار هفتم: - ایجاد حمایت و دفاع نیرومند از یک ملت بی طرف باید در تحقق صلح داخلی آن کشور کمک نماید و همچنان اجرای تعهدات بین المللی متقابلاً مرجح تر است نسبت به نیرو های نظامی خارجی منحصیث ضمانت کننده بی طرفی دایمی.

احتمال بی طرفی دائمی افغانستان							
مقایسه بیطرفی دائمی سال ۲۰۲۰ افغانستان با سویترزرنلد سال ۱۸۱۵م - هر یک از آن هفت معیار شرطی که موجود است به «بلی» و آنکه نیست به «نه» نشاندهی شده است							
معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سویترزرنلد - ۱۸۱۵	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی
افغانستان دهه ۲۰۲۰	نه	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی

جدول اول

جدول تحقق احتمالی پیش فرضیه

معلومات تاریخی که پیش فرضیه های بی طرفی سویترزرنلد را تائید می کنند

¹ - Cronin, Audrey K. Sustaining Security: Rethinking American Security Strategy, Eds. Suri, Jeremi & Valentino, Benjamin. Tobin Project. Chapter XVII, Cronin, AK. A Sustainable Approach to Afghanistan's Neutralization. p.349-384; Oxford University Press. Dec.2016. Cronin, A.K. A Sustainable Approach to Afghanistan's Neutralization. p. 375.

بسیاری دانشمندان به این باور اند که سویترزلند بدون بی طرفی عنعنوی خود نمی توانست منحصیث یک ملت آزاد، متحد و مستقل زنده بماند.²

اولین اقامت گزینی اجتماعات بشری ایندو - اروپایی ها در اروپایی مرکزی شاید حدود ۱۳۰۰ سال قبل از میلاد به وقوع پیوسته باشد. باستان شناسان مردمان آلپ را به نمادی از «اوتزی³» «مرد منجمد⁴» شناخته اند. در بین سالهای ۳۰۰ تا ۱۰۰ قبل از میلاد در محیط جغرافیوی «ارتفاعات سویس» و «تیسینو⁵» مردم «سلتیک⁶» که بزبانهای «گال⁷» صحبت میکردند اقامت گزین شدند: مردمان «هلوتی⁸» و «ویندیلیسی⁹» در ساحات غربی و شرقی نقاط مرتفع سویس و مردم «لیپونتی¹⁰» در ساحات «لوگانو¹¹» مستقر شدند. مردمان «غیر سلتیک رایپی¹²» در داخل یا وسط دره های سویترزلند شرقی اقامت گزیدند. اکثریت این ساحات فقط از طریق کشف دفینه های فرهنگی «له تینا¹³» آنان طی اکتشافات باستان شناسی یافت شده اند.

در سال پانزدهم قبل از میلاد بعد از اینکه لشکریان جولیس سیزار¹⁴ «قیصر جولیس» پاسخ منفی یافتند، جنرالهای قیصر، «تایبریس¹⁵» و «درسوس¹⁶» کوه های آلپ و ساحات اطراف آن را فتح و به امپراتوری روم ملحق ساختند. در دوره اخیر امپراتوری روم، تنصیر «عیسوی سازی» این ساحه آغاز و تا قرن چهارم بعد از میلاد ادامه یافت. بعد از انقراض امپراتوری روم غربی، اقوام جرمانیک به طرف کوه های آلپ کوچیدند.

در میان قرن های پنجم تا نهم میلادی فرانکها هم به آن طرف کوچیدند. شارلمان فرانسه مبدل به شاه مقتدر شد، وقتیکه در روم تاج شاهی بر سر نهاد خواستار احیای امپراتوری کهن روم شد و سرزمین های «سویزی¹⁷» را که بعد «سویترزلند¹⁸» نامیده شد و در آنزمان بنام قلمرو «هلواتی ها¹⁹» نامیده میشد جزء از امپراتوری خود ساخت. متعاقب مرگ شارلمان، فرزندان ناشایسته وی بین هم آویختند، یکی شان فرانسه، دیگری ایتالیا و سومی جرمنی را از آن خود ساختند. قلمرو هلواتی ها سر انجام بخشی از امپراتوری جرمنی شد. گورنران «نائب السلطنه های» جرمن بالای اکثریت این سرزمین ها به نمایندگی از شاهان شان تا سال ۱۳۰۷م حکومت راندند، زمانیکه هر سه دره به تاریخ هفدهم نوامبر سال ۱۳۰۷م ابتکار اجلاس را رویدست گرفتند شب هنگام همین تاریخ، آنان خود را انسان های آزاد و مستقل اعلان کردند و ۳۰ نماینده اقوام هلواتی در علفزار های «روتلی²⁰» با آنها ملحق شدند. هرچند آنان توافق نمودند که به حقوق سرداران و امرای خود احترام خواهند گذاشت ولی گورنر آستریا «هرمان گسلر²¹» که از این نیت شان مشکوک بود خواست نیت راستین مردم را مورد آزمون قرار دهد، پس فرمان داد تا برفراز ستون شهر «اوری²²» کلاه دوک آستریایی را بگذارند تا رعایا حین عبور به کلاه دوک سلام بدهند و به این گونه احترام خود را نسبت به دوک واضح سازند ولی تیر انداز شهیر آن منطقه «ویلیلم تل²³» حین عبور از پهلوی ستون، به کلاه دوک ادای احترام نه نمود! موصوف بلادرنگ نزد گورنر گسلر برده شد و گورنر با نهیب صدای خشمگین خود جیغ کشیده گفت: «تو کماندار گستاخ! من، مر ترا با وسایل خودت مجازات خواهم کرد؛ پس فرمان داد تا

² - Ditto. Cronin, A.K

³ - Ötzi

⁴ - Iceman

⁵ - Ticino

⁶ - Celtic

⁷ - Gauls

⁸ - Helvetii

⁹ - Vindelici

¹⁰ - Lepontii

¹¹ - Lugano

¹² - non-Celtic Raetians

¹³ - La Tène

¹⁴ - Julius Caesar

¹⁵ - Tiberius

¹⁶ - Darsus

¹⁷ - Schwyz

¹⁸ - Switzerland

¹⁹ - Helvatican

²⁰ - Rutli

²¹ - Hermann Gessler

²² - Uri

²³ - William Tell

سببی را بر سر فرزند کوچک او بگذارند، برود تیر را رها کند! و بعد گفت! ولی هان هوش کن که تیرت خطا نرود! عساکر کودک را به درختی بستند و بر سر کوچک او سببی را گذاشتند و به ویلیم تل گفتند: آنقدر از درخت دور برو تا ذره از نشانه را زده نتوانی! تیر از کمان جست و بطرف سر کودکی که با ترس می لرزید جهید. تیر سبب را دو نصف کرد. مردم هلله و فریاد خوشی بر آوردند. گسلر به ویلیم گفت، «چرا تیر دوم را از تیرکش «خریطه تیر» خود بیرون کردی؟» ویلیم تل گفت، «اگر تیر اول به سبب اصابت نمی کرد، یقین داشته باش که تیر دوم قلب ترا سوراخ میکرد.» گورنر عاقلانه فکر نه کرد و دست به محبوس ساختن ویلیم زد، زیرا از قیام مردم و شورش تیر انداز شهیر «اوری» ترس داشت. بنابر این گسلر علی الرغم وزش شمال تند با محبوس خود به عجله سوار کشتی شده و حرکت نمود. هر اندازه که کشتی در آبهای توفانی پیش میرفت وحشت توفان هم لحظه به لحظه به شدت خود می افزود، کشتی در دریاچه میان- کوهی کوه های پر نشیب در حرکت بود و هر آن در معرض تهدید نشیب کوه ها و امواج مرتفع آب قرار داشت. گسلر را که لرز و واهمه غرق شدن کشتی فرا گرفته بود فرمان داد که زنجیر های ویلیم تل را خلاص نمایند تا با فردی که وظیفه هدایت دستگاه کشتی را در دست داشت کمک کند. ویلیم تل دستگاه هدایت کشتی را بطرف تخته سنگ کوچک کنار دریا چرخاند و از کشتی خیز زده پرید و باد و توفان کشتی را در میان امواج ناپدید ساخت. ویلیم تل بر فراز کوه های شیب دار سویز بالا رفت، نام کوه های سویز سرانجام به سویترز لند تحول یافت. هر قدریکه ویلیم تل بالا میرفت این افکار جدی در ذهنش خطور میکرد، «از غضب این مستبد به کدام طرف پرواز کنم؟ با وجودیکه از پنجه های تعقیب وی فرار کرده ام ولی او طفل و زنم را در خانه من گروگان گرفته است. زمانیکه یک مقامدار وی در لندنبرگ چشمان پیرمرد منطقه «ملشتل²⁴» را در بدل گناه شکستن یک انگشت خدمتگارش از حدقه کشید پس خود گسلر با خانواده ام چی خواهد کرد؟ مادامیکه قانون حاکم نباشد پس کیست که میان من و تو حکمیت کند، من و تو، گسلر، هر دو بی قانون هستیم، یگانه قاضی میان من و تو حراست - خودی است. یا زوجه بی گناه، طفل و سرزمین آبیایی ام ساقط خواهند شد و یا تو ای گورنر گسلر، تو! ترا از پا در خواهیم انداخت و آزادی را حاکم²⁵.

کنفدراسیون سویس طی قرون دهم و سیزدهم، متعاقب فروپاشی امپراتوری کارولینجی²⁶ ظهور کرد. مردم سویس علی الرغم جنگ های داخلی طی سالیان ۱۴۳۶ - ۱۴۵۰م با عبور از راه پر خم و پیچ و انقلابی بسوی کنفدراسیون، توانستند نواحی شمال و شرقی را تسخیر و امپراتور آستریایی را شکست دهند و شهزادگان جرمنی شرقی را مغلوب سازند و در قرن پانزدهم باکسب اقتدار بیشتر به مثابه یکی از دولت های عمده اروپایی ظهور نماید. در قرن شانزدهم بود که مردم سویس از پرستیژ و اعتبار بی همتای نظامی برخوردار شدند و در قاره اروپا به اوج قدرت سیاسی خود رسیدند²⁷. کنفدراسیون سویس در سال ۱۵۱۵م بعد از شکست در جنگ «مربینانو²⁸» حینیکه سعی میکرد تا فرانسوی ها را از شمال ایتالیا برانند، رهبران سویس با بی میلی و اکراه با دشمنان خود گردن به مصالحه گذاشتند. سویسی ها با وجود نداشتن زمین های کافی مزروعی و منابع طبیعی توانستند معابر ستراتیژیکی کوهستانات خود را حفظ کنند و در بدل حق دادن سربازان مزدور سویسی به فرانسه، کمک مالی دولتی یا سببایدی فرانسه را بدست آورند. سویسی ها منبهد دست به لشکر کشی بخاطر تسخیر کدام منطقه نزدند و هیچ نوع ائتلاف تعرضی و یا دفاعی را با فرانسه نساختند تا اینکه در سالهای ۱۶۶۳، ۱۷۱۵ و ۱۷۷۷م آنرا تجدید کردند²⁹. سویس اصطلاح «بی طرفی» را برای بار اول در قرن شانزدهم میلادی بکار برد. تنها بعد از جنگهای سی ساله در بین کانتون ها «ولایات» کاتولیکی و پروتستانت خود - «۱۶۱۸ - ۱۶۴۸م» - یعنی میان کاتولیکها و پروتستانتها، کنفدراسیون سویس پالیسی بی طرفی را منحیث سیاست خارجی خود روی دست گرفت، بدینگونه سویس خود را از خطر پارچه پارچه شدن که در اثر جنگ های مذهبی داخلی به میان آمده بود نجات داد و در جنگ های متعاقبی که در اروپا به میان آمد باز هم سیاست بیطرفی خود را حفظ نمود. لشکریان ناپلیون در سال ۱۷۹۸م بالای سویترز لند حمله کردند و ژنوا را بخود ملحق ساخته و مماثل به نام جمهوری فرانسه، «جمهوریت هلوتی³⁰» را اعلان نمودند. بدینگونه سویترز لند مبدل بیک قمر فرانسه شد و سیاست عنعنوی بی طرفی را ترک کرد.

²⁴ - Melchthal

²⁵ - Zschokke, Heinrich. The History of Switzerland for the Swiss People. Chapter Xii. "William Tell and the Three Men in Rutli", A.D. 1307; Wallachia Publishers; New York, NY: 53-56 Published 1855 & 2005.

²⁶ - Carolingian Empire

²⁷ - Sustaining Security: Rethinking American Security Strategy, Eds. Jeremi Suri & Benjamin Valentino. Tobin Project. Oxford University Press. 2016 .

²⁸ - Marignano

²⁹ - Sherman, Gordon E, "Neutrality of Switzerland," The American Journal of International Law 12, No.2. 2012.

³⁰ - Helvetic Republic



ویلیام تل و فرزند ۱۰ ساله اش

به تاریخ بیستم ماه مارچ سال ۱۸۱۵م بود که قوت‌های مؤتلفه نیت شان را مبنی بی طرفی سوئیزرلند بصورت دائم آشکار ساختند. سوئیزرلند در باره سرحدات خود که فرانسه پیش از پیش ژنوا 31 و «نو شه تل 32» و سائر ساحات را طی جنگ‌های ناپلیون بخود ملحق ساخته بود خواستار وضاحت شد. زمانیکه ناپلیون از «البا 33» فرار کرد و در پاریس ظاهر شد، این مذاکرات ناگهان متوقف شد. از سویس خواسته شد تا به نیرو های ائتلاف اجازه دهد تا از ساحات قلمرو سویس عبور نمایند.

به تاریخ بیستم نوامبر سال ۱۸۱۵م آستریا، برتانیای کبیر، پروس، روسیه، فرانسه و پرتگال طی توافقنامه دوم صلح، اولین گروپ امضاء کننده بودند که بی طرفی دائمی سوئیزرلند را تصدیق و «تمامیت ارضی و گزند ناپذیری» سوئیزرلند را رسماً ضمانت کردند.



بنیانگذار کانگرس ویانا شهزاده میترنیک

متعاقب آن در مدت خیلی کوتاه سویدن و هسپانیه گروپ دوم امضاء کننده شدند. یکی از موفقیت های بی نهایت مهم کانگرس ویانا آن بود که سویس توانمندی دفاع از سرحدات خویش را با به حرکت انداختن تمام اردوی خود در جنگ اول و جنگ دوم جهانی پیدا نمود که تعداد مجموعی آن به ۴۳۰۰۰۰ سرباز میرسید. این خود یک عنصر حیاتی در موفقیت آن کشور در بی طرفی دائمی آن بوده است.

مردمان سوئیزرلند طی متجاوز از ۲۰۰ سال گذشته برخوردار از مزیت صلح و امنیت جاویدان اند و «بی طرفی دائمی» به آنها این توانایی را بخشیده تا ثروتمند ترین ملت جهان با چنان عاید سرانه بلند « تولیدات ناخالص داخلی 34» شوند که تقریباً با ایالات متحده امریکا همسری میکنند، این تولیدات در ساحات انکشاف و توسعه صنایع خفیفه اند مانند «محصولات کیمیاوی، ادویه جات، تولید ماشینری و

وسایل برقی، وسایل اندازه گیری خیلی دقیق، ساعات، زیورات، محصولات زراعتی، وسایط نقلیه، منسوجات، چرم، رابر و پلاستیک اند.» مهمتر اینکه در میزان خوشحالتترین مردم جهان، امروز مردمان سویس بعد از ناروی و دنمارک به درجه سوم قرار دارند و خود را شادمان ترین ملت جهان می پندارند.

31 - Geneva

32 - Neuchatel

33 - Elba

34 - per capita GDP



بعد از ۲۰۵ سال منحه‌ی نیرومندترین کشور جهان و اداره‌ی مرکزی جهان برای مذاکرات صلح

ادامه دارد

تاریخچه «بی طرفی» افغانستان: